



این دیگر از واضحات است که «برای حل یک مسئله دانه‌درشت، باید ریشه‌های آن را یافت.» با یافتن ریشه‌ها، نیمی‌از مسئله حل می‌شود.

از این‌رو، برای اثبات ضرورت ریشه‌یابی طلاق، هیچ نمی‌گوییم و راست می‌رویم سر اصل موضوع:

- ۱. ازدواج‌های اشتباه**

این سخن مردمان، که به‌مراح می‌گویند: «علت اصلی طلاق، ازدواج است»، یک «شوخی جدی‌صفت» است؛ اما ناقص است. آن را از شوخی بودن درمی‌آوریم، اصلاحش می‌کنیم و می‌گوییم:

دلیل بسیاری از طلاق‌ها، «ازدواج‌های اشتباه» است. آری! هرچه در انتخاب همسر و ازدواج، سهل‌انگاری شود، زندگی‌های ناپایدار پدید می‌آید و هر مقدار در مرحله انتخاب همسر و انجام ازدواج، دقت شود، زندگی‌های پایدار ایجاد می‌شود.

ما، در مشاوره‌های مان، شاهد این پدیده تلخ هستیم که بسیاری از مردمان، در مرحله انتخاب همسر و مقدمه‌های ازدواج، خوب عمل نمی‌کنند و در نتیجه، زندگی‌ها به تلخی می‌رسد و یا به طلاق می‌انجامد.

این نمونه را ببینید:

- حسنا و حسن / از زبان مشاور / مشاوره ازدواج**

حسنا و حسن که دوران عقد را می‌گذرانند، نزدم آمدند به مشاوره.

پسر، ناراحت بود و دختر، لجباز. نه لجباز به‌معنای معروف؛ بلکه بر پسر لیج کرده بود. از دست او عاصی شده بود. از او متنفر بود. بر او خشمگین بود.

حرف‌هایشان را شنیدیم. هیچ تناسبی با هم نداشتند؛ نه تناسب اخلاقی، نه تناسب سنی، نه عقیدتی، نه جسمی، نه خانوادگی و نه هیچ تناسب دیگر. از این همه عدم تناسب، تعجب کردم.

پرسیدم: شما که این همه به هم بی‌رغبت بودید، چرا ازدواج کردید؟

پاسخ‌هایی دادند که قانع‌کننده نبود.

از خانواده‌هایشان دعوت کردم به مشاوره ببایند تا راز کار برآیم آشکار شود.

از خانواده پسر، کسی نیامد؛ اما پدر و مادر دختر آمدند. با ایشان، بدون حضور دختر و پسر، صحبت کردم. گفتم: پیش از هر سخن، بگویید چرا این دو نفر، بااین همه تفاوت، همسر هم شده‌اند؟ آیا این ناهمتابی‌ها را می‌دانستید و عقد کردید یا نه؟

گفتند: «ندانسته، دخترمان را دادیم.» گفتم: چطور ممکن است؟ توضیح دهید. گفتند: «ما دو خانواده، همدیگر را نمی‌شناختیم. از دو شهر جداگانه‌ایم. کسی ما را به هم معرفی کرد. به خواستگاری آمدند. ما تاجر به‌ای نداشتیم. این دختر، اولین فرزندان است؛ اما می‌دانستیم که باید آنان را، به‌خصوص پسر را، خوب بشناسیم. گفتیم صبر کنید تا بررسی کنیم.

گفتند: ما احتیاج به بررسی نداریم. شما و دخترتان را پسندیده‌ایم. تا ماه محرم، چهار روز بیشتر نمانده بود. اصرار کردند که قبل از محرم، عقد کنیم. ایشان بر اصرارشان پا فشردند و ما تسلیم شدیم و در همان چهار روز، عقد کردیم و همه کارها تمام شد.

گفتم: «ریشه مشکل، همین است که شتاب کردید. نه! آنان شتاب کردند و شما تسلیم شدید. چه اشکالی داشت که در محرم و صفر، بررسی‌های ضروری برای کسب شناخت را انجام می‌دادید؛ تحقیق و مشاوره می‌کردید، تفکر و تأمل می‌کردید، دختر و پسر، با هم صحبت می‌کردند؟ انجام این کارها که در محرم و صفر، اشکالی ندارد. گفتند: «نمی‌دانیم چه شد. نتوانستیم در برابر اصرارشان مقاومت کنیم.»

با پسر، به‌تنهایی، صحبت کردم.

گفت: «این دختر رانمی‌خواهم.»

با دختر نیز به‌تنهایی صحبت کردم.

گفت «این پسر رانمی‌خواهم.»

دختر هیچ دلیلی برای نخواستنش بیان نکرد. اصلاً بلد نبود. دلیل بیاورد. او یک بچه بود؛ هم از نظر سنی، هم فکری و هم عقلی؛ اما پسر، دلیل‌هایی را بیان کرد که بیشتر مربوط به ناسازگاری اخراقی و رفتاری می‌شد. او می‌خواست خود را از مخمصه‌ای که در آن گرفتار شده، بیرون بکشد، بدون این‌که مسئولیت کارهای خود و خانواده‌اش را بپذیرد؛ از این رو می‌کوشید، دختر و مادرش را تقصیرکار جلوه دهد.

در چند جلسه مشاوره و بررسی همه‌جانبه به این نتیجه رسیدیم که این دو، به کار هم نمی‌آیند و ادامه این وصلت نامبارک، به صلاح هیچ‌کدامشان نیست و تنها راه حل، جدایی است؛ پیش از آن‌که عروسی کنند و دچار یک زندگی ناکام شوند.

این زیان سخت‌جبران، تاوان همان شتاب اول بود.

- ۲. اقتصاد ناموزن**

هرگاه و هرجا که درباره عوامل طلاق سخن می‌گوییم با مطلب می‌نویسیم، شنوندگان و خوانندگان مان، مسائل اقتصادی را مطرح می‌کنند و آن را ریشه اصلی طلاق می‌دانند؛ چندان بزرگ که عوامل دیگر، کم‌رنگ می‌شوند یا اصلاً دیده نمی‌شوند.

ما می‌گوییم: بله! درست؛ اما بیاییم ریشه‌های دیگر را نیز ببینیم و نیز این عامل را بزرگ‌تر از آنچه هست، نبینیم. امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «مَنْ عَظَّمَ صَعَارَ الْمَصْأَبِ، ابْتَكَاهُ اللَّهُ بِكِبَارِهَا؛ هرکس گرفتاری‌های کوچک را بزرگ بنمایاند، خداوند به مصائب بزرگ، گرفتارش می‌کند.»

این تجربه را در ازدواج نیز داریم؛ از روزگاران قدیم تا اکنون، وقتی موضوع ازدواج جوانان مطرح می‌شود، خود جوانان و خانواده‌هایشان، عامل اقتصاد را مطرح می‌کنند و آن را عامل اصلی؛ بلکه گاهی تنها عامل بی‌ا دیربازدواجی بیان می‌کنند.

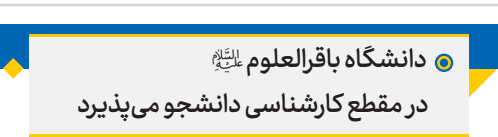
در کتاب «جوانان و انتخاب همسر» که محصول سی‌سال پیش است، همین عامل، مانع اصلی ازدواج

## انتشار اثر جدید آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی



شاگردان در سال‌های ۱۳۹۸–۱۳۹۷ است که به تشریح و تبیین دو مفهوم «علم» و «دین» و نسبت «دین شریعت و نقل» با «عقل و علوم عقلی» می‌پردازد.

کتاب حاضر توسط انتشارات دانشگاه تهران و در ۲۴۰ صفحه تنظیم و عرضه شده است.

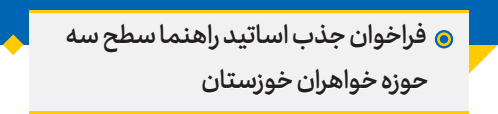


دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام از طلاب خواهر و برادر واجد شرایط، در دوره کارشناسی سال ۱۴۰۲ از طریق آزمون اختصاصی دانشجو می‌پذیرد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام از طلاب واجد شرایط در آزمون ورودی دوره کارشناسی سال ۱۴۰۲ از طریق آزمون اختصاصی در رشته‌های زبان انگلیسی ویژه دانشجویان مطالعات اسلامی و مترجمی زبان انگلیسی، دانشجو می‌پذیرد. ثبت‌نام از ۲۵دی آغاز شده و تا ۸ بهمن ادامه دارد و علاقه‌مندان می‌توانند، جهت دریافت دفترچه راهنمای ثبت‌نام، به آدرس www.bou.ac.ir مراجعه نمایند.

مقتاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر، به اطلاعیه‌ها و دفترچه راهنمای ثبت‌نام که هرسال منتشر می‌شود، مراجعه نمایند.

شماره تماس: ۰۲۵۲۳۱۳۶۶۲۸



معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران خوزستان، از اساتید واجد شرایط راهنمایی پایان‌نامه‌های سطح سه در رشته‌های حوزوی، دعوت به همکاری می‌نماید.

به گزارش خبرگزاری حوزه در اهواز، شرایط اساتید راهنمای سطح سه با تحصیلات حوزوی به قرار زیر است:

اولویت اول: دارای مدرک سطح چهار یا اجتهاد (با کسب اجازه اجتهاد از مراجع عظام یا تأیید دبیرخانه مجلس خبرگان)، اولویت دوم: اتمام سطح چهار (بدون تدوین رساله علمی، یا دارای چهار سال مصاحبه درس خارج + داشتن اشتهار و مقبولیت پژوهشی برای مراجعه محققان، به‌دلیل معروفیت در امور پژوهشی.

اولویت سوم: طلبه سطح چهار در رشته مرتبط+ دارای دو سال مصاحبه درس خارج+ داشتن اشتهار و مقبولیت پژوهشی برای مراجعه محققان، به‌دلیل معروفیت در امور پژوهشی.

اولویت چهارم: فضلالی حوزوی چهار (بدون تدوین رساله علمی، غیرمرتبط+ داشتن اشتهار و مقبولیت پژوهشی برای مراجعه محققان، به‌دلیل معروفیت در امور پژوهشی.

**\* شرایط اساتید راهنمای دانشگاهی نیز به قرار ذیل است:**

اولویت اول: دارای مدرک دکترای دانشگاهی مرتبط + حداقل یک سطح حوزوی

اولویت دوم: پایان دوره دکترای دانشگاهی مرتبط بدون نگارش رساله علمی + حداقل یک سطح حوزوی

اولویت سوم: دانشجوی دکترای مرتبط+ حداقل یک سطح حوزوی

لازم به ذکر است، اساتید مورد نیاز در رشته‌های تفسیر و علوم قرآنی، فقه و اصول، کلام اسلامی، فلسفه اسلامی، امامت، مهدویت، مدرسی ادبیات عرب، مطالعات اسلامی زنان، اخلاق و تربیت اسلامی، تاریخ اسلام، تربیت دینی کودک و نوجوان و مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، سطح سه می‌باشد.

زمان ثبت‌نام از تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۵ تا ۱۴۰۱/۱۲/۰۱ خواهد بود و نحوه ثبت‌نام نیز، از طریق ارسال تصاویر مدارک بالا به‌همراه رزومه به آدرس ایمیل pajohesh.khozestan@gmail.com می‌باشد.

علاقه‌مندان می‌توانند جهت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۹۳۳۲۵۷۴۷۹۵، در ساعات ۸ تا ۱۲ تماس حاصل نمایند.



پوستین خیرخواهی، دلسوزی، وانتقال تجربه، می‌پوشانند؛ اما به‌فرونده امیرمؤمنان، امام علی علیه السلام پوستین را وارونه می‌کنند و نتیجه معکوس، حاصل می‌شود:

«لَيْسَ الْإِسْلَامَ لَيْسَ الْفَقْرُ مَقْلُوبًا؛ اسلام را وارونه گردانند؛ چونان وارونه پوشیدن پوستین.»<sup>۶</sup>

#### سخنی باخودهمسران

فعالاً با دخالت‌گران، سخنی نداریم. با اینان، در آثار دیگرم‌ان، بسیار سخن گفته‌ایم. اینان را به خدای‌شان و وجدان‌شان وامی‌گذاریم؛ اما اکنون به خود شما همسران، به‌ویژه زوج‌های جوان، می‌گوییم و با تأکید می‌گوییم: دیگران را به زندگی‌تان راه ندهید. پای دخالت‌گران را به زندگی‌تان باز نکنید. از ثمره‌های تلخ باز کردن راه دخالت دیگران، سردی دل‌های‌تان است، سپس مجادله است و دعوا و در نهایت، طلاق. فاصله‌تان را با دخالت‌گران ببیستر و ببیستر کنید. خودتان مدیر زندگی‌تان باشید. اگر نیازی به یاری دیگران دارید، فقط و فقط از مشاوری دانا و توانا مدد بجوید.

- ۵. کمبود یا نبود ایمان مذهبی**

مؤمن، کارهایش را بر اساس ایمان و رضایت خداوند سبحان انجام می‌دهد. او در هرکار، می‌اندیشد که آیا این کردار من، گفتار من و افکار من، برابر رضایت خدا هست یا نه؟ اگر هست، انجام می‌دهد. اگر نیست، انجام نمی‌دهد. انسان دین‌دار، ممکن است اشتباه کند؛ اما ممکن نیست چشم در چشم خدا بدوزد و او را نافرمانی کند؛ محال است.

#### از زبان مشاور / مشاوره خانواده / ظالم نباش!

آقا و خانم «ایمانی» که متدین‌اند و نزاع‌هایی ناعاقلانه داشتند، نزدم آمدند به مشاوره. مسائل‌شان را کاویدیم. ریشه‌هایی از مجادله‌های‌شان آشکار شد. دانستم یکی به دیگری ظلم می‌کند. آشکار نکردم. راهکارهایی بیان شد. جلسه دیگری نیاز بود. گفتم هفته بعد. وقتی از در اتاق مشاوره بیرون رفتند، او را که ظالم دانسته بودم، صدا زدم. تنهایی و آهسته که همسرش نشنود؛ اما با تأکید، به او گفتم: ظالم نباش!

تکان خورد؛ سخت و رفتند.

هفته بعد که آمدند، حالشان بهتر بود؛ خیلی بهتر. او که ظالم بود، ساکت بود. او که مظلوم بود، گفت: «زندگی‌مان خوب شد…»

او که ظالم بود، صحبت تنهایی خواست. او را که مظلوم بود، به بیرون اتاق هدایت کردم. وقتی تنها شدیم، او که ظالم بود، گریست، گریستنی تلخ؛ اما خوش. گفت: «آن سخن آخرنویت قبل که گفتید: ظالم نباش، مرا به درون خودم فرو برد. در مکانی دنج، با خدا خلوت کردم. اندیشیدم. خود را محاسبه کردم. دیدم که ظالمم. از خدا شرم کردم. توبه کردم. با همسرم مهربانی کردم. دیگری به‌او ظلم نکردم و همه چیز درست شد.»

او را از آفرین گفتم که چنین با ایمان است. خداپرست است. با انصاف است.

دیگر زندگی‌شان خوب شد. خوب خوب. الهی شکر! **کمبود یا نبود ایمان مذهبی(۲)**

از معناهای تقوا، یکی شرم است و دیگری پروا؛ کسی که از خدا شرم کند و از او پروا داشته باشد، ستم نمی‌کند.

این سخن بی‌مانند امیرمؤمنان، امام علی علیه السلام را ببینیم: «وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلْاَقْلَامِيْةُ الشَّيْئَةُ بَمَا تَحْتَ اَقْلَافِهَا، عَلٰى اَنَّ اَعْصٰى اِلٰهِ فِيْ تَمَلِّئَةِ اَسْلَافِهَا جَلْبُ شَيْعَةٍ مَا لَعْنَةُ؛ به خدا! اگر همه این جهان و هر آنچه را که زیر آسمان است، به من دهند تا خدا را معصیت کنم، نمی‌کنم؛ گرچه آن معصیت، این باشد که پوسته جوی را از دهان مورچه‌ای (به‌ستم) برآیم!»

هر سودی که به آدمی برسد، در قلمروی همین «اَلْاَقْلَامِيْةُ الشَّيْئَةُ» است و هیچ ستمی کوچک‌تر از گرفتن تکه‌ای از پوست یک جو نیست. تصور کنیم، همه این جهان را به کسی بدهند؛ همه لذت‌ها، ثروت‌ها، شهرت‌ها، تا به مورچه‌ای ظلم کند؛ پوست جوی را از دهان آن بگیرد، او نپذیرد! حقا که عجب است.

مگر مطلق؛ طلاق‌دادن یا طلاق‌گرفتن چقدر سود دارد؟ مگر شکستن یک دل، کوچک‌تر است از گرفتن پوست جو از دهان مورچه است؟ قسم به جان علی علیه السلام که نمی‌ارزد!

#### عاقل باشیم

حکمت چیست؟ هر چیز را بر جای لایق آن نهادن، هر کار را نیکو انجام‌دادن. عقل چیست؟ «العقل ما عُيِدَ به التَّحَمُّنُ وَ اكْتِسِبَ به الجَبَانُ؛ عقل آن است که با آن، خدا عبادت شود و بهشت به دست آید»<sup>۸</sup>.

اکنون این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را بشنویم: «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ؛ ترس از خدا، سر حکمت است.»<sup>۹</sup> بیایم از خدا بترسیم. عاقل باشیم. حکیمانه عمل کنیم. طلاق‌گیرنده و طلاق‌دهنده، آیا از خدا را پروا دارد؟ عاقل است؟ به حکمت عمل می‌کند؟

«ارجعوا الی انفسکم و عاتبواها؛ به جان‌های‌تان باز گردید و آن‌ها عتاب و خطاب کنید.»<sup>۱۰</sup>

اندکی درنگ! عجله در کار طلاق، خلاف عقل است؛ «الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ عجله، از شیطان است.»<sup>۱۱</sup>

شرط عقل است که در کار طلاق، بی‌پروا باشیم. عاقل آن است که اندیشه کند پایان را.<sup>۱۲</sup>

#### • پی‌نوشت

- نهج‌البلاغه، حکمت ۴۴۸، ترجمه و شرح علی‌اکبر مظاهری، نشر بهشت؛
- برای مطالعه بیشتر این مقوله، رک: «جوانان و انتخاب همسر، از نگارنده، فصل موانع و مشکلات ازدواج، مشکلات اقتصادی؛
- فردوسی: شاهنامه
- نبرد بی‌برنده؛ علی‌اکبر مظاهری، نشر خادم‌الرضا علیه السلام، چاپ یازدهم، ۱۴۰۱، ص: ۸۵؛
- بحارالانوار، ج ۲، ص: ۱۳۳؛
- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸؛
- نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴؛
- الکافی، ج ۱، ص: ۱۱؛
- کنزالعمال، حدیث ۵۸۷۳؛
- واقعه عاشورا، ص: ۴۲۵؛
- کنزالعمال، حدیث ۵۶۷۲؛
- سعدی، کلیات.